



The Identity-Bestowing Role of Imamzadeh Ghasem in the Human Ecosystem of Alamshir Village, Ghaemshahr

Mohammad Hossein Rafiee¹, Mohammad Jawad Yaqubi^{2*}

¹-Assistant Professor, Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. mohammadhossein_rafiee@miu.ac.ir

²-Assistant Professor, Higher Education Complex of Islamic History and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. mjawadyaqubi@miu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
12/03/2025
Accepted:
31/12/2025

Throughout history, *Imamzadehs* (shrines of descendants of the Prophet Muhammad) have always held an effective position and role in the identity-formation process of societies. These religious sites, in addition to their specific functions in the sphere of worship and spiritual training, possess diverse functions in social and cultural arenas, considering their local ecological conditions. This has led to a network of behaviors, customs, and social interactions forming between the *Imamzadehs* and the people surrounding them. The present research was conducted with a descriptive-analytical approach, and its data were collected through library studies, field observations, and interviews with the residents of Alamshir village. Data analysis focused on the religious, social, and cultural functions of Imamzadeh Ghasem within the historical and ecological context of the village. The findings indicate that Imamzadeh Ghasem has played a pivotal role in organizing the social and cultural relationships in Alamshir village, having a significant impact, especially in three areas: Cultural-Religious Identity-Bestowal, Social Functions, and Architectural-Historical Identity. Concrete manifestations of this identity-bestowing function include the focus of religious rituals, the assembly of religious and social gatherings, the establishment of a public cemetery, the foundation of a *Hosseiniyeh* (congregational hall), and the continuation of collective relations in the vicinity of the *Imamzadeh*. The evidence suggests that the function of Imamzadeh Ghasem in Alamshir village goes beyond that of a mere pilgrimage site. This sacred sanctuary, acting as an identity-forming center, has played a decisive role in strengthening the sense of belonging, social cohesion, and the reproduction of the residents' religious and cultural identity; such that the human ecosystem of Alamshir has taken shape and endured in a meaningful and lasting bond with this sacred place.

Keywords: Imamzadeh Ghasem, Alamshir Village, Local Culture, Social Cohesion, Identity Bestowal.

Cite this article: Rafiee, Mohammad Hossein; Yaqubi, Mohammad Jawad (2025), "The Identity-Bestowing Role of Imamzadeh Ghasem in the Human Ecosystem of Alamshir Village, Ghaemshahr", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 3, No. 2, P: 145-172.

DOI: 10.30479/hvri.2025.21784.1063



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mohammad Jawad Yaqubi

Address Assistant Professor, Higher Education Complex of Islamic History and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran

E-mail: mjawadyaqubi@miu.ac.ir

نقش هویت بخشی امامزاده قاسم در زیست بوم انسانی روستای آلمشیر قائم شهر

محمدحسین رفیعی^۱، محمدجواد یعقوبی^{۲*}

۱- استادیار مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

mohammadhossein_rafiie@miu.ac.ir

۲- استادیار مجتمع آموزش عالی تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

mjawadyaqubi@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امامزادگان در طول تاریخ همواره از جایگاه و نقشی مؤثر در فرایند هویت بخشی جوامع برخوردار بوده اند. این مکان های مذهبی، علاوه بر کارکردهای اختصاصی در حوزه تربیت عبادی و معنوی، با توجه به شرایط زیست بومی خود، واجد کارکردهای متنوعی در عرصه های اجتماعی و فرهنگی هستند؛ به گونه ای که پیوند میان امامزادگان و مردم پیرامون آن ها، شبکه ای از رفتارها، آداب و تعاملات اجتماعی را شکل داده است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده های آن از طریق مطالعات کتابخانه ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه با اهالی روستای آلمشیر گردآوری شده است. تحلیل داده ها با تمرکز بر کارکردهای دینی، اجتماعی و فرهنگی امامزاده قاسم در بستر تاریخی و زیست بومی روستا صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد امامزاده قاسم در روستای آلمشیر نقشی محوری در سامان دهی مناسبات اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده و به ویژه در سه حوزه هویت بخشی فرهنگی - دینی، اجتماعی، و معماری - تاریخی تأثیرگذار بوده است. تمرکز آیین های مذهبی، اجتماعات دینی و فرهنگی، شکل گیری قبرستان عمومی، تأسیس حسینیه، و تداوم مناسبات جمعی در جوار امامزاده، از نمودهای عینی این کارکرد هویتی به شمار می آید. یافته ها حاکی از آن است که کارکرد امامزاده قاسم در روستای آلمشیر فراتر از یک مکان زیارتی صرف است. این آستان مقدس به مثابه کانونی هویت ساز، نقشی تعیین کننده در تقویت احساس تعلق، انسجام اجتماعی و بازتولید هویت دینی و فرهنگی ساکنان روستا ایفا کرده است؛ به گونه ای که زیست بوم انسانی آلمشیر در پیوندی معنا دار و پایدار با این مکان مقدس شکل گرفته و تداوم یافته است.
دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲	واژگان کلیدی: امامزاده قاسم، روستای آلمشیر، فرهنگ محلی، همبستگی اجتماعی، هویت بخشی.
پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰	

استناد: رفیعی، محمدحسین؛ یعقوبی، محمدجواد (۱۴۰۴)، «نقش هویت بخشی امامزاده قاسم در زیست بوم انسانی روستای آلمشیر قائم شهر»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال سوم، شماره اول، صص: ۱۷۲-۱۴۵.

DOI: 10.30479/hvri. 2025.21784.1063

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.

مقدمه

امامزادگان در ساختار اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایران از جایگاهی فراتر از یک مکان صرفاً مذهبی برخوردارند. آنان به عنوان نهادهایی تاریخی و اجتماعی، نقش مهمی در شکل دهی به هویت فردی و جمعی ساکنان این مناطق ایفا کرده‌اند. این اماکن مقدس در بستر زیست‌بوم روستایی، همواره کانونی برای تجمعات دینی، آیینی و اجتماعی بوده‌اند و از این رهگذر، زمینه‌ساز شکل‌گیری ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری مشترک میان ساکنان شده‌اند. چنین کارکردی باعث شده است که امامزادگان به مثابه عناصر هویت‌ساز، در سازمان‌دهی مناسبات اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی نقش‌آفرینی کنند.

مطالعات حوزه روستا و دین نشان می‌دهد که نهادهای مذهبی در فضاهای روستایی، دارای کارکردهای متنوعی هستند؛ از جمله تقویت انسجام اجتماعی، نهادینه‌سازی هنجارها، ارتقای مشارکت جمعی، جامعه‌پذیری نسل‌ها، کاهش آسیب‌های اجتماعی، ایجاد احساس امنیت و آرامش، و بهبود کیفیت زندگی. از دیدگاه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین، این نهادها نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای معنوی جامعه محلی‌اند، بلکه در قالب ساختارهای اجتماعی فعال، به شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط انسانی، آیین‌ها و کنش‌های جمعی یاری می‌رسانند. در همین راستا، مطالعات روستایی نیز بر اهمیت بررسی نهادهای بومی و مذهبی به عنوان عناصر مؤثر در تداوم هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی تأکید می‌کنند. در روستای آلمشیر از توابع شهرستان قائم‌شهر، مزار مطهر امامزاده قاسم - از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) - در قبرستان عمومی روستا واقع شده است و از دیرباز، نقش کانونی در حیات اجتماعی، فرهنگی و دینی ساکنان داشته است. پیشینه تاریخی این امامزاده و حضور مستمر آن در زندگی روزمره مردم، موجب شده است که باورها، مناسبات اجتماعی و آیین‌های جمعی روستا به گونه‌ای معنادار با این مکان مقدس پیوند یابند. تمرکز مراسم مذهبی، اجتماعات آیینی و حتی برخی مناسبات عرفی در پیرامون آستان امامزاده، بیانگر نقش برجسته آن در شکل‌دهی به هویت محلی اهالی روستاست.

با وجود اهمیت این کارکردها، بررسی‌های میدانی و مطالعات تاریخی نشان می‌دهد نقش هویت‌بخش امامزادگان در بسیاری از روستاهای ایران، به‌ویژه در مقیاس محلی، کمتر به‌طور مستقل و نظام‌مند مطالعه شده است. از این‌رو، تبیین چگونگی تأثیر امامزاده قاسم بر هویت

اجتماعی و فرهنگی روستای آلمشیر، از نظر شناخت سازوکارهای هویت سازی دینی در زیست بوم های روستایی، از اهمیت و ضرورت پژوهشی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر آن است که با تمرکز بر امامزاده قاسم روستای آلمشیر، نقش این آستان مقدس را در شکل گیری، تقویت و تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا بررسی کند؛ و نشان دهد که چگونه این مکان مذهبی به عنوان نهادی هویت ساز، در سامان دهی زیست بوم انسانی و مناسبات اجتماعی روستا ایفای نقش کرده است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین صورت بندی می شود: وجود امامزاده قاسم چگونه به شکل گیری و تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستای آلمشیر قائم شهر انجامیده است؟

۱. ادبیات نظری تحقیق

مطالعات و منابع مرتبط با پژوهش حاضر را می توان در دو دسته کلی بررسی کرد: ۱. آثاری که به ادبیات روستایی و اقلیمی اختصاص دارند و به تحلیل ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی می پردازند؛ ۲. پژوهش ها و مطالعاتی که در خصوص امامزادگان و نقش اجتماعی و فرهنگی آنان در ایران انجام شده است.

۱-۱. ادبیات روستایی و اقلیمی

در میان منابع کهن و عام، آن دسته از آثار که با تفصیل بیشتری به تاریخ طبرستان پرداخته اند، از اهمیت ویژه ای برخوردارند؛ از جمله: *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران* (۱۳۶۱) نوشته ظهیرالدین بن نصیرالدین مرعشی، *تاریخ طبری* (۱۴۱۳ق) اثر محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبرستان* (۱۳۹۶) از محمد بن حسن ابن اسفندیار، *تاریخ مازندران* (۱۳۵۲) نوشته شیخعلی گیلانی، *جلد چهارم از آستارا تا استارباد* شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی (۱۳۶۶) تألیف منوچهر ستوده، *معجم البلدان* (۱۹۹۵م) اثر یاقوت حموی، *الکامل فی التاریخ* (۱۳۸۵) تألیف ابن اثیر، *تاریخ الیعقوبی* (۱۳۶۲) از احمد بن اسحاق، *تاریخ مختصرالدول* (۱۹۹۲م) اثر ابن العبری، و *تجارب الامم* (۱۳۷۹) نوشته احمد بن محمد مسکویه. اگرچه بیش تر این منابع با رویکردی کلان نگر به تاریخ سیاسی، جغرافیایی و شهری طبرستان پرداخته اند، از منظر ترسیم بستر تاریخی و فرهنگی منطقه ای که روستای آلمشیر در آن شکل گرفته، واجد اهمیت فراوان اند. این آثار، با

ارائه اطلاعاتی درباره ساختار آبادی‌ها، مسیرهای ارتباطی، نام‌گذاری‌های مکانی و تحولات تاریخی نواحی مختلف مازندران، چارچوبی کلی برای درک زمینه‌های تاریخی استقرار روستاها و شکل‌گیری هویت‌های محلی فراهم می‌سازند.

بررسی این منابع نشان می‌دهد که در متون تاریخی، نام برخی آبادی‌ها و نواحی پیرامونی با عنوان‌های کهن یاد شده است؛ داده‌هایی که از دیدگاه مطالعات تاریخی و تطبیقی می‌توانند در بازسازی بستر منطقه‌ای و تحولات مکانی مؤثر واقع شوند، هرچند تطبیق دقیق این نام‌ها با تقسیمات روستایی معاصر، نیازمند دقت و اتکای بیشتر بر اسناد محلی و دوره‌های متأخر است. در برخی منابع تاریخی، به نام آبادی‌ها و نواحی اطراف منطقه مرکزی طبرستان اشاره شده که از منظر مطالعات منطقه‌ای، در بازسازی بستر تاریخی استقرار روستاهای تابع این ناحیه سهم بسزایی دارند. از جمله در *تاریخ طبرستان*، از آبادی «کنده‌کوه» در چهار فرسنگی ساری یاد شده است (مرعشی، ۱۳۶۱، ۱۲۶/۲)، که در پژوهش‌های تاریخی به‌عنوان یکی از نقاط شناخته‌شده در حوزه آبادی‌های پیرامونی مرکز طبرستان - و روستای آلمشیر به‌عنوان تابع آن - مورد توجه قرار گرفته است. ذکر چنین آبادی‌هایی در منابع کهن، امکان ترسیم تقریبی شبکه سکونت‌گاهی و شناخت پیوندهای جغرافیایی و تاریخی نواحی مجاور را فراهم می‌کند و از این رهگذر، درک زمینه‌های منطقه‌ای شکل‌گیری روستای آلمشیر را تسهیل می‌نماید.

در این میان، اسناد مکتوب محلی نقشی تعیین‌کننده در شناسایی دقیق نام و هویت روستای آلمشیر دارند. قدیمی‌ترین سند شناخته‌شده که نام «آلمشیر» در آن به‌صورت صریح آمده، وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۴۹ هجری شمسی است که در آن عناوینی چون *آلمشیر* و *آلمشیری* مکرر ذکر شده است (تصویر پیوست شماره ۱). از این زمان به بعد، نام آلمشیر در وقف‌نامه‌ها، مباحیه‌نامه‌ها و دیگر متون محلی استمرار یافته و نشان‌دهنده تثبیت این نام در حافظه تاریخی و اداری منطقه است؛ موضوعی که حتی در دوران تغییرات گسترده تقسیمات کشوری در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی نیز دچار دگرگونی نشد.

۲-۱. مطالعات امام‌زاده‌شناسی

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره امام‌زادگان مدفون در ایران انجام شده است؛ از جمله: *شیرمردان علوی: پژوهشی پیرامون علل، زمینه‌ها و آثار هجرت امام‌زادگان به ایران (۱۳۹۳)*

اثر شائق بهاء الدین قهرمانی نژاد، شکوفه های رسالت: آشنایی با امامزادگان ری، تهران و شمیرانات (۱۳۹۱) به کوشش هادی آصفی، بقاع متبرکه ایران (۱۳۹۴) نوشته حسین علی بایرام نژاد، امامزادگان ایران و بقاع متبرکه (۱۳۹۰) از محمد نجاری سهل آبادی، مهاجران موسوی: بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) و علل مهاجرت آنان به ایران (۱۳۹۱) اثر جلیل عرفان منش، امامزادگان معتبر ایران و رجال مدفونین کاشان (۱۳۴۲) از سید عزیزالله امامت کاشانی، و بحرالرحاب: در احوال امامزادگان ایران (۱۳۹۱) تألیف محمدعلی وثوقی و میرمحمد رضا برزانی. علاوه بر این آثار کلان نگر، برخی نوشته ها و گزارش های معاصر به صورت محدود و موردی به روستای آلمشیر و امامزاده قاسم پرداخته اند. این منابع عمدتاً شامل گزارش هایی درباره آیین های مذهبی محلی، برگزاری مناسبت های دینی و انقلابی، و نیز تدوین شجره نامه امامزاده قاسم هستند که هر یک از زاویه ای خاص به معرفی این بقعه متبرکه پرداخته اند (علیزاده، ۱۳۹۵؛ ایکنا، ۱۴۰۲؛ فقیه محمدی جلالی، ۱۴۰۳). با این حال، اغلب این آثار ماهیتی توصیفی، گزارشی یا نسب نامه ای دارند و کمتر به تحلیل نقش هویت بخش امامزاده قاسم در زیست بوم انسانی و سامان دهی هویت اجتماعی و فرهنگی روستای آلمشیر پرداخته اند. از این رو، پژوهش حاضر از این حیث دارای نوآوری علمی و موضوعی است.

۲. موقعیت جغرافیایی و وجه تسمیه آلمشیر

روستای آلمشیر از توابع بخش مرکزی شهرستان قائم شهر در استان مازندران ایران است. این روستا در گذشته در محدوده ای وابسته «نوکنندکلا» قرار داشته، اما در زمان حاضر، روستایی مستقل به شمار می رود و روستاهای کاردیکلا، گیلکلا و آفرایل از توابع آن محسوب می شوند. بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت این روستا حدود سه هزار نفر است. مردم آلمشیر به زبان مازنی (گویش بومی مازندران) سخن می گویند و شغل اصلی آنان کشاورزی و باغداری است. در بخش بالادستی (شرق) روستا، روستای پاشاکلا قرار دارد و از شمال با افرایل و از سوی غرب، شرق و جنوب با اراضی کشاورزی مجاور است (تصویر پیوست شماره ۲).

درباره ضبط درست نام این روستا - «آلمشیر» یا «عَلَمشیر» - تمامی اسناد و آثار مکتوب بررسی شده در این تحقیق، از جمله وقف نامه ها، مباحثه نامه ها، حواشی قرآن، جزوات قرآنی خطی و مصاحبه نامه ها، همگی صورت املائی «آلمشیر» و لقب اهالی آن را «آلمشیری» ذکر کرده اند.

آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸ق)، از نسب‌شناسان برجسته‌ی شیعه در عصر مشروطه، در اثر ارزشمند خود *طبقات اعلام‌الشیعه*، در ذیل شرح حال شیخ عبدالصمد آلمشیری، نام روستا را به صورت «الم شیر» آورده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۴۰ق، ۱۱۳۴/۳). همچنین دهخدا در *لغت‌نامه* خویش، این نام را با الف در ابتدای کلمه ثبت کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۲۶۶/۳). با این حال، در برخی از نوشته‌های معدود، صورت نگارش «عَلَم‌شیر» دیده می‌شود که ظاهراً ناشی از خطای شنیداری یا نگارشی نویسندگان غیرالمشیری بوده است؛ یعنی شنیده و به اشتباه به شکل «عَلَم‌شیر» ثبت شده است. نمونه بارز آن، *سفرنامه‌ی نخست ناصرالدین‌شاه به مازندران* است که در آن، هنگام سفر از قائم‌شهر (در آن زمان علی‌آباد)^۱ به ساری، چنین آمده است: «دو طرف راه جنگل کمی داشت باقی جنگل را تراشیده دهات آباد نموده گندم و شالی می‌کارند. زن و مرد بسیاری در سر خیابان به تماشا آمده بودند. طرف دست راست محال ارطی است که جزء علی‌آباد است جمعیت و آبادی زیادی داشت که در سر راه ایستاده بودند. طرف دست چپ محال نوکنده کاه تیولی حاجی ملکزاده است جمعیت زیادی از آنجا آمده بودند به استقبال اما خود دهات پیدا نبود. علم‌شیر خالصه تیول حاجی شریفخان آن سمت نوکنده کاه است» (نوری، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

نوادگان مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالصمد و شیخ مصطفی آلمشیری - که امروزه برخی از آنان در شهر بابل سکونت دارند - در نام خانوادگی خود از پسوند «عَلَم‌شیری» استفاده می‌کنند. بنابر گفتار برخی از آنان، این صورت املایی، نتیجه‌ی خطای اداری در جریان تعویض شناسنامه‌ها در دوران جمهوری اسلامی است؛ پیش از آن، نام خانوادگی ایشان به صورت «آلمشیری» ثبت شده بود. این اشتباه بعدها در سنگ‌نوشته‌ی مزار آن مرحومان نیز تکرار شده و از آن طریق وارد برخی منابع معاصر گردیده است.

با این حال، از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی، نمی‌توان به کلی احتمال ارتباط واژه‌ی «آلمشیر» با ریشه‌ی «عَلَم» را منتفی دانست؛ به‌ویژه اگر آن را نشانه‌ای از پرچم‌داری علویان بدانیم. بنا بر برخی روایات محلی، پس از شهادت امامزاده قاسم - از سرداران سپاه علویان - پرچمی با نقش شیر،

^۱ - شهرستان قائمشهر در ادوار تاریخی با نام‌های «مشهد جمنان»، «علی‌آباد» و سپس «شاهی» شناخته می‌شده است. این منطقه در دوره قاجار با نام علی‌آباد شهرت داشت و در سال ۱۳۱۰ شمسی، به دستور رضاشاه و در پی توسعه شهری و تملک گسترده اراضی، به «شاهی» تغییر نام یافت. پس از انقلاب اسلامی، نام آن به «قائم‌شهر» تغییر یافت (یزدان پناه لموکی، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

به عنوان نماد شجاعت و تعلق به امیرالمؤمنین علی (ع) معروف به «اسدالله»، بر مزار وی برافراشته شد. این پیوند میان «عَلَم» و «شیر» می تواند منشأ فرضی واژه ی «آلمشیر» بوده باشد.

روستای آلمشیر، به واسطه ی موقعیت جغرافیایی و شواهد تاریخی موجود، از پیشینه ی سکونت انسانی کهن برخوردار است. وجود آثار کالبدی و عناصر تاریخی مانند حمام قدیمی، آب بندان بالامحله، اراضی شالیزاری سنتی، گلزار شهدا و سایر فضاها ی فرهنگی- تاریخی، بیانگر تداوم حیات اجتماعی و شکل گیری ساختار زیستی روستا در دوره های مختلف تاریخی است.

این عناصر علاوه بر نقش معیشتی و اجتماعی، بخشی از نظام هویت محور و فرهنگی آلمشیر را تشکیل می دهند. در میان این آثار، بقعه ی امامزاده قاسم به عنوان مهم ترین کانون تاریخی- مذهبی روستا، نقشی محوری در سامان دهی فضایی، مناسبات اجتماعی و شکل گیری هویت دینی ساکنان ایفا کرده است و در حافظه ی جمعی مردم، به منزله ی نقطه ی ثقل فرهنگی و معنوی روستا شناخته می شود.

۲-۱. تپه ی دینه گش

قدیمی ترین سازه ی دست ساز انسانی در روستای آلمشیر، تپه ی با نام «دینه گش» است. بر اساس مطالعات انجام شده، تاریخ ساخت این اثر غیرطبیعی به هزاره ی اول پیش از میلاد بازمی گردد (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۱). در این دوره، اجتماع هایی از نژاد تپوری در این محدوده سکونت داشته اند و از فرهنگ و آیین های بومی ویژه ای برخوردار بوده اند.

تپوری ها از ساکنان دیرینه ی مازندران به شمار می روند که پیش از ورود اقوام آریایی به فلات ایران در این ناحیه می زیستند (پیرنیا، ۱۳۹۱: ۱۳۴۷). با گسترش مهاجرت اقوام ایرانی، آنان به بخش های کوهستانی رشته کوه البرز عقب نشینی کردند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۴۵). آثار مرتبط با این دوره، از جمله تپه ی دینه گش، در بازسازی چشم انداز تاریخی و پیش مدرن سکونت انسانی در منطقه آلمشیر اهمیت ویژه ای دارند.

۲-۲. مناطق مزاری

مزارها در روستای المشیر به محدوده هایی مشخص در حاشیه جنگل اطلاق می شود که از دیرباز در حافظه جمعی اهالی، به عنوان مکان هایی واجد حرمت و قداست شناخته شده اند. در محدوده

این روستا، سه کانون جغرافیایی از این دست وجود دارد که جملگی در بخش غربی المشیر جای گرفته‌اند. این فضاها از نظر طبیعی اغلب با پوششی از درختان کهنسال، به ویژه درخت آزاد (که در زبان محلی «آزار» یا «ازدار» نامیده می‌شود)، و گاهی با چشمه‌های طبیعی همراه هستند. این ویژگی‌های زیست‌محیطی، در کنار باورهای کهن آیینی، موجب شده است که این نواحی در طول قرون متمادی از هرگونه دخل و تصرف انسانی در امان بمانند.

از منظر تاریخی، درباره منشأ شکل‌گیری مزارها دو دیدگاه عمده مطرح است. گروهی ریشه این اماکن را در آیین‌ها و اعتقادات پیش از اسلام جستجو می‌کنند و آن را دلیلی بر سکونت و تقدیس طبیعت در این منطقه قبل از دوره اسلامی می‌دانند. دیدگاه دوم، شکل‌گیری مزارها را به دوره پس از اسلام و همزمان با مهاجرت سادات و امام‌زادگان در سده‌های اولیه هجری نسبت می‌دهد. با وجود دشواری تعیین تاریخ دقیق برای این اماکن، قدمت درختان که بیش از دویست سال در هر سه مزار تخمین زده می‌شود، گواهی است بر دیرینگی توجه و احترام به این فضاهای مقدس. مزارها در گذشته کانون برگزاری برخی آیین‌ها و مناسک دینی بوده‌اند و امروزه نیز، هرچند به ندرت، برای انجام مراسم مذهبی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند. در باورهای رایج محلی، این مکان‌ها به عنوان محل استجابت دعا شناخته می‌شدند و رسم «دخیل بستن» که شامل گره زدن پارچه یا نخ به شاخسار درختان با نیت حاجت‌خواهی بود، در میان مردم رواج داشت. حرمت مزارها شامل تمام عناصر طبیعی آن است و هرگونه بی‌احترامی، مانند قطع درختان یا آسیب رساندن به محیط آن‌ها، عملی ناپسند تلقی می‌گردد. لازم به ذکر است که مفهوم مزار به روستای المشیر محدود نمی‌شود و نمونه‌های مشابهی از این فضاهای قدسی در دیگر نقاط استان مازندران نیز وجود دارد که در فرهنگ بومی، جایگاهی یکسان از حیث قداست و احترام عمومی را دارا هستند.

۳-۲. سقانفار

نام این بنای معماری مذهبی، برگرفته از فداکاری حضرت ابوالفضل العباس (ع) در واقعه عاشورا و نقش ایشان در امر آب‌رسانی به بانوان و کودکان است. سقانفار (که گاهی سقاتالار نیز نامیده می‌شود)، یکی از بناهای شاخص معماری مذهبی مازندران به شمار می‌رود. این سازه‌ها با الهام از «نفار»های سنتی کشاورزی منطقه طراحی شده و معمولاً در مجاورت اماکن متبرکه، از جمله

امامزاده‌ها و حسینیه‌ها، جای می‌گیرند. سقافارها علاوه بر کارکرد نمادین و آیینی در مراسم مرتبط با واقعه کربلا، بازتابی از هنر بومی نجاری، نقاشی و شیوه‌های معماری محلی نیز هستند؛ قدمت آن‌ها در بسیاری از مناطق به دوران قاجار بازمی‌گردد.

۴-۲. سنگ قبر تاریخی

در سال ۱۴۰۱ خورشیدی، حین عملیات حفاری در فاصله‌ای حدود ۱۰ متری شرق سقافار، قطعه‌ای از یک سنگ قبر کشف شد که اطلاعات ارزشمندی در خصوص قدمت قبرستان المشیر و نیز گرایش‌های مذهبی این منطقه به دست می‌دهد. این سنگ قبر شکسته که در عمق تقریباً یک متری زمین یافت شد، حاوی حکاکی‌هایی از واژگانی نظیر «الله، محمد، علی، حسن عسکری، صاحب زمان و سنه ۱۰۲۵» است. این کتیبه‌ها نشان‌دهنده قدمتی بیش از چهار قرن و تعلق آن به دوره صفویه است (تصویر پیوست شماره ۳). از آنجایی که این قطعه شکسته تنها حدود یک‌سوم از کل سنگ مزار اصلی را تشکیل می‌دهد، نام و سایر مشخصات متوفی و همچنین اسامی سایر معصومین (ع) که احتمالاً در بخش‌های اصلی سنگ حک شده بودند، در دسترس نیست.

قدمت تاریخی و استمرار حیات در روستای المشیر به وضوح از طریق شواهد و آثار تمدنی موجود در این خطه قابل تشخیص است. تپه «دینه‌کش» که متعلق به هزاره اول پیش از میلاد است، حکایت از سکونت انسان در این ناحیه حداقل از حدود ۲۵۰۰ سال پیش دارد. علاوه بر این، حضور امامزاده قاسم که بنا بر شواهد تاریخی در دهه‌های پایانی سده سوم هجری در این روستا به شهادت رسیده و آرام گرفته است، شاهدی بر تداوم زیست انسانی در المشیر در دوران اسلامی محسوب می‌شود. همچنین، تاریخ‌های منقوش بر سنگ‌زارها و سایر بقایای فرهنگی، استمرار زندگی در این منطقه را دست‌کم در پانصد سال اخیر تأیید می‌کند. مجموع این شواهد، غنای تاریخی و فرهنگی روستای المشیر و جایگاه برجسته آن در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران را نمایان می‌سازد.

۳. امامزاده قاسم، از نوادگان امام حسن (ع)

مردم طبرستان از دیرباز ارادتی عمیق و خاص به خاندان پاک اهل بیت (ع) داشتند و این علاقه، به ویژه پس از هجرت امام رضا (ع) به ایران و استقرار در خراسان، ژرف‌تر شد. آنان پس از

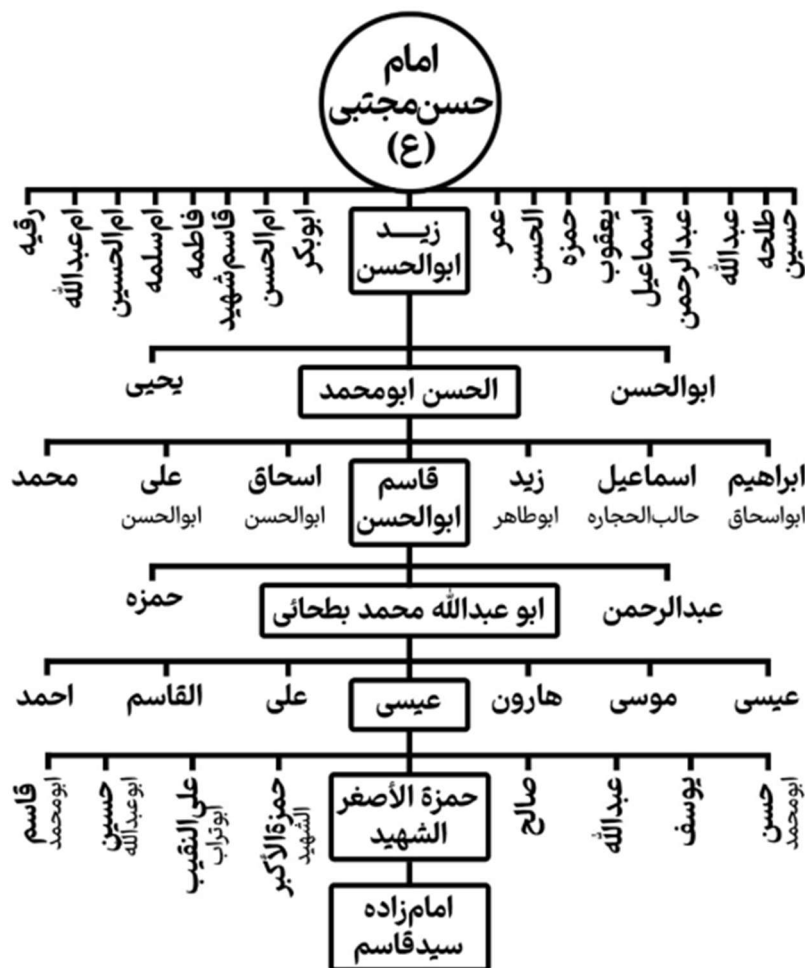
مشاهده ظلم و ستم طاهریان (در قرن سوم هجری)، که به عنوان حاکمان منصوب از سوی دستگاه خلافت اسلامی بر منطقه حکم می‌راندند، بیش از پیش به سوی خاندان اهل بیت گرایش یافتند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۰). از این رو، آنان از حسن بن زید، که از نوادگان امام حسن (ع) و ساکن ری (یکی از مراکز علویان) بود، دعوت کردند تا رهبری مبارزات آنان را بر عهده گیرد. با ورود حسن بن زید به طبرستان، مردم با استقبال گرم از او بیعت کردند (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۸۴). حتی شماری از پیروان دیگر ادیان نیز به دست ایشان مشرف به اسلام شدند و خود را متعهد به حمایت از رهبری او ساختند.

میزان اعتقاد و ارادت مردم منطقه به پاکی و زهد خاندان اهل بیت (ع) ستودنی بود. چنانکه ابن اسفندیار نقل می‌کند: «به هر وقت ساداتی را که به نواحی ایشان مقیم بودند، مشاهده می‌کردند، از زهد، علم و ورع ایشان اعتقاد می‌کردند و اذعان می‌داشتند که تمام آنچه سیرت مسلمانی است، در وجود سادات تجلی یافته است» (ابن اسفندیار، ۱۳۹۶: ۲۴۸). در کتاب «تاریخ طبرستان»، اشتیاق مردم و جایگاه رفیع اهل بیت (ع) در نزد آنان پس از آمدن حسن بن زید به طبرستان چنین وصف شده است: «در این وقت به تعداد برگ‌های درختان، سادات علوی و بنی‌هاشم از حجاز و اطراف شام و عراق به خدمت او رسیدند. او نسبت به همگی آنان نیکی و تکریم می‌فرمود، تا آنجا که هرگاه او سوار می‌شد، سیصد تن از علویان شمشیرزن، چونان هاله‌ای گرد او را فرا می‌گرفتند» (همان: ۲۶۳).

همین عامل سبب‌ساز موفقیت و تداوم حکومت علویان در طبرستان گردید. مرعشی در کتاب «تاریخ طبرستان و رویان» نیز به همین نکته اشاره دارد: «چون داعی (حسن بن زید) در حق سادات شفقت و عاطفتی بی‌بدیل می‌نمود، سادات فراوانی بدو پیوستند، به گونه‌ای که هرگاه او مرکب به تاخت می‌آورد، سیصد هزار سید شمشیرزن همراه او به میدان می‌رفتند» (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۹۰).

ارادت وافر مردم طبرستان به خاندان اهل بیت (ع) از یک سو (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۰) و ستم و جور حاکمان و گماشتگان سلسله طاهریان از سوی دیگر (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۸-۱۹)، زمینه‌ساز آن شد که حسن بن زید در سال ۲۵۰ هجری، با پشتوانه مردمی، حکومت علویان طبرستان را پایه‌گذاری کند و قریب به دو دهه (تا سال ۲۷۰ هجری) بر طبرستان، دیلم و گرگان فرمانروایی نماید (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۰۲-۳۰۳).

نگاره ۲: شجره نامه امامزاده قاسم مدفون در روستای المشیر شهرستان قائم‌شهر



منبع: (فقیه محمدی جلالی، ۱۴۰۳)

با توجه به شواهد تاریخی متعددی که ارائه شده است، پس از تأسیس حکومت علویان در طبرستان به دست حسن بن زید (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۸۴)، سادات بسیاری از بلاد مختلف گرد ایشان اجتماع کردند و بسیاری از آنان در شمار سرداران سپاه او درآمدند. از جمله این سادات، عموزادگان خود حسن بن زید، یعنی دو برادر به نام‌های «حمزة الاکبر» و «حمزة الاصغر» بودند که پدر بزرگوار امامزاده سید قاسم مدفون در المشیر محسوب می‌شوند. قدیمی‌ترین سندی که به سکونت و شهادت سید حمزه در طبرستان (ساری) اشاره دارد، کتاب «مقاتل الطالبیین» است: «حمزة بن عیسی بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن (ع) در پیکاری که میان

یعقوب لیث صفاری و حسن بن زید داعی روی داد، به شهادت رسید» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۷: ۵۳۸). علامه سید جعفر اعرجی، تعداد حمزه‌ها را دو تن برشمرده است: «حمزتان الأكبر والأصغر، فقد انتقلا إلى طبرستان، و قتلًا بها و العقب من أحدهما؛ یعنی حمزه اکبر و اصغر بودند که به طبرستان مهاجرت کردند و در آنجا به شهادت رسیدند، و تنها یکی از آن دو صاحب نسل شد» (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

حمزه اصغر که به ابوعلی ملقب بود (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳)، در آسرم به خاک سپرده شده است (فقیه، ۱۳۸۴: ۱۱۶). اما برادرش، حمزه اکبر ملقب به ابورضا، در روستای هولار در جنوب شهر ساری دارای گنبد و بارگاهی رفیع می‌باشد (فقیه، ۱۴۰۲: ۶۱۸) و به «حمزه رضا» شهرت دارد (فقیه، ۱۴۰۰، ۹۸-۹۷/۱ و ۱۴۴۵ق، ۲۰۲/۱). حمزه اکبر دارای سه برادر به نام‌های «علی» (نقیب طبرستان)، «ابوتراب محمد» و «حسین» بود (عبیدلی، ۱۴۱۳: ۱۱۵). شهادت این دو سید بزرگوار در جریان حمله یعقوب لیث صفار در سال ۲۶۰ هجری قمری واقع شد (کمونه‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۹). علامه نسابه بیهقی (متوفای ۵۶۵ هجری قمری) نیز بر این باور است: حمزه اکبر در جنگ میان یعقوب لیث صفاری و حسن بن زید داعی، در حالی که سی سال بیش نداشت، در طبرستان کشته شد و همانجا نیز مدفون گردید (بیهقی، ۱۳۸۵، ۱/ ۴۲۸). صاحب کتاب «بدائع الأنساب» نیز خبر شهادت این دو برادر را در طبرستان تأیید کرده است (حسنی تفرشی، ۱۳۱۹: ۲۷).

بر اساس گزارش بیهقی مبنی بر تعیین سن حمزه اکبر، می‌توان استنتاج کرد که برادرش، حمزه اصغر، با توجه به اختلاف سنی یک یا دو ساله‌ای که با برادر بزرگ‌ترش داشت، در سن ۲۹ یا ۲۸ سالگی به شهادت رسیده است (بیهقی، ۱۳۸۵، ۱/ ۴۲۸). بنابراین، هیچ‌یک از فرزندان حمزه اصغر، به ویژه امامزاده قاسم المشیر، در زمان حمله یعقوب لیث صفاری در سن مناسب برای شرکت در جنگ نبوده‌اند. از آنجا که یعقوب پس از تخریب ساری، طبرستان را ترک کرد، این گمان قوی مطرح می‌شود که فرزندان حمزه اصغر در زمان هجوم، به سمت غرب ساری که از حمله صفاریان در امان مانده بود، عقب‌نشینی کرده باشند. یکی از آبادی‌های مهم غرب ساری، در مناطق مسکونی پیرامون دو کرانه رودخانه سیاهرود، از جمنان تا المشیر، قرار داشت.

منابع تاریخی درباره زندگی و سرنوشت فرزندان حمزه اکبر و حمزه اصغر سخن چندان ارائه نکرده‌اند، جز آنکه حمزه اکبر را بدون فرزند معرفی کرده‌اند (اعرجی، ۱۳۷۷: ۱۰۳) و برای حمزه

اصغر فرزندان را بر شمرده‌اند که از آن جمله «قاسم» معروف به «میمون» (= پربرکت) است (عمری علوی، ۱۳۸۰: ۲۵). در کتاب «عمدۀ الطالب» نیز اشاره‌ای گذرا به فرزندان حمزه اصغر شده، از آنان به نیکی یاد شده و تصریح گردیده که فرزندان نامبرده در ری و ساری ساکن هستند (ابن عنبه، ۱۴۱۷ق: ۹۴). تحقیقات علامه نسابه ابوالحسن عمری پیرامون برادران و خواهران امامزاده قاسم نشان می‌دهد که پدر بزرگوار ایشان، «حمزه اصغر شهید»، دارای شش فرزند بوده‌اند که سه نفر پسر و سه نفر دختر بوده‌اند.

جدول ۱: شمار و اسامی خواهران و برادران امامزاده قاسم بر اساس «المجدی فی أنساب

الطالبین»

پسران	فرزندان حمزه الأصغر الشهيد	دختران
۱- ابوعلی عیسی ۲- قاسم اعرج ۳- علی		۱- میمونه ۲- مبارکه ۳- صفیه

از میان فرزندان حمزه اصغر، سه دختر به نام‌های میمونه، مبارکه و صفیه معرفی شده‌اند. اما در میان پسران که در طبرستان سکونت داشتند، سه تن نامورند: ابوعلی عیسی که در ری دیده به جهان گشود و در روستای طوس‌کلا (واقع در شهرستان نکا استان مازندران) آرام گرفت؛ قاسم اعرج، که به میمون شهرت داشت و در طبرستان زاده شد؛ و علی که در طبرستان (ساری) متولد شد و به عنوان یکی از صاحب‌نفوذان دودمان سادات به شمار می‌رفت (عمری علوی، ۱۳۸۰: ۲۵). با کاوش در منابع تاریخی و استناد به روایات شفاهی منطقه‌ای، چنین برمی‌آید که برخی از فرزندان حمزه اصغر در روستای المشیر مأوا گزیدند. سید قاسم، که بعدها به این نام مشهور شد، گویا در میانه سال‌های ۲۸۰ تا ۳۰۰ هجری قمری در نبردهای محلی یا درگیری‌هایی که میان علویان و طاهریان رخ داد، شرکت جست و به شهادت رسید و در همان مکانی که امروزه به نام امامزاده قاسم می‌شناسیم، پیکرش به خاک سپرده شد.

۴. هویت بخشی آستان امامزاده قاسم (ع) در المشیر

بقاع متبرکه امامزادگان، در ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران، همچون هسته‌های مرکزی عمل می‌کنند (منتظرالقائم، ۱۳۹۹). انتساب این اماکن به خاندان منسوب به پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، موجب ارتقای منزلت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در کالبد اجتماع محلی می‌گردد. این اماکن در گذر تاریخ، علاوه بر رسالت مذهبی، به مثابه نمادی از پاسداری هویت دینی و فرهنگی منطقه عمل کرده و در ایام و مناسبت‌های مذهبی، چون جشن‌ها، اعیاد و مجالس سوگواری، کانونی برای فعالیت‌های جمعی محسوب می‌شوند (مولایی، ۱۳۹۸: ۲۷).

در ایام سوگواری و اعیاد مذهبی، این آستان‌های متبرک به عنوان فضاهاى معنوی-فرهنگی، امکان گردهمایی و برگزاری مناسک جمعی را مهیا می‌سازند. این اماکن، وراى رفع نیازهای صرفاً مذهبی، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی گوناگونی را به منصه ظهور می‌رسانند و در تثبیت پیوندهای جمعی و تقویت هویت مشترک جامعه نقشی حیاتی ایفا می‌کنند (مولایی، ۱۳۹۸: ۳۳). تجربه حضور در این ساحت‌های مقدس، شامل نیایش، زیارت، نذر و سایر اعمال آیینی، به شکل‌گیری و استمرار هویت فرهنگی-مذهبی در سطوح فردی و جمعی کمک نموده و شالوده مناسبات اجتماعی و فرهنگی روستا را پی‌ریزی می‌کند (ایمانی، ۱۳۹۴).

آستان امامزاده قاسم روستای المشیر نیز از منظر تاریخی و فرهنگی، به عنوان کانون محوری فعالیت‌های جمعی و مذهبی عمل می‌کند. این بقعه شریف، با فراهم آوردن زمینه‌های اجرای مناسک، میزبانی تجمعات و پاسداری از سنت‌های بومی، نقشی محوری در بازتولید هویت جمعی و فرهنگی اهالی روستا ایفا می‌نماید. پیوندهای عمیق مردم با این آستان، از طریق مناسک، گردهمایی‌های ملی و مذهبی و تعاملات اجتماعی شکل گرفته است و می‌توان سه محور اصلی هویت‌بخش آن را در هویت فرهنگی-دینی، همبستگی اجتماعی، و تثبیت میراث معماری و تاریخی بررسی نمود.

۱-۴. هویت‌بخشی فرهنگی دینی

مردم روستای المشیر، از دوران مدفون شدن امامزاده تاکنون، دلبستگی و پیوند مذهبی خود را با خاندان پاک اهل بیت (ع) حفظ کرده‌اند و این آستان به مثابه یکی از کانون‌های استمرار و بازتولید این باور دینی در میان جامعه محلی عمل نموده است. ریشه این ارادت عمیق مذهبی را باید در نسب نسبی شریف امامزادگان با ائمه طاهرین (ع) جستجو کرد. بر این مبنای، حضور روستاییان در

آستان امامزاده قاسم را می توان ذیل چارچوب باورهای دینی رایج تحلیل نمود؛ باورهایی که فرزندان و نوادگان ائمه هدی (ع) را برخوردار از منزلتی ویژه می دانند و زیارت این بقعه متبرکه را به عنوان یکی از کنش های دینی و آیینی اصلی در فرهنگ منطقه تلقی می کنند.

بخش مهم دیگری از کارکردهای امامزادگان در تقویت ساحت تربیت عبادی و القای احساس آرامش و امنیت روانی در میان زائران متجلی می شود. این اماکن مقدس با فراهم آوردن فضایی آیینی برای انجام مناسک دینی همچون عبادت، نذر و مناجات، به عنوان یکی از مراکز تجربه زیست دینی عمل می کنند. بر اساس اعتقادات رایج در میان زائران، حضور در این ساحت ها با امید به استجاب دعا و رفع گرفتاری ها همراه است و همین تلقی قدسی، نقشی مؤثر در تقویت آرامش روانی، احساس امنیت و هدایت سبک زندگی معنوی افراد ایفا می نماید.

شکل گیری و توسعه اماکن مذهبی در جوار آستان امامزاده قاسم را می توان در چارچوب فرایندهای تاریخی توسعه فرهنگی و دینی این منطقه تحلیل کرد؛ فرایندی که در سازمان دهی هویت دینی و معنوی روستای المشیر سهمی بسزا داشته است. شواهد تاریخی این امر، به وضوح در مفاد قدیمی ترین وقفنامه های باقی مانده از روستا قابل مشاهده است؛ چنان که در بخشی از قدیمی ترین وقفنامه روستای المشیر چنین آمده است: «بر مصارف متعلقه به تعزیه داری حضرت اباعبدالله الحسین ثالث ائمه اثنی عشر علیه صلوات الله الملك الاکبر از اطعام به اهل عزا و اکرام بروضه خوان و جای دادن و قهوه و قلیان دادن به اهل عزا و مصارف لازمه اعیان تکیه واقعه در قریه المشیر در ایام عاشورا که از اول شهر محرم الحرام است که در تکیه المشیر که مهیا شده است از برای تعزیه ایام عاشوراء صرف شود» (تصویر پیوست شماره ۱). عبارت اخیر: «تکیه المشیر که مهیا شده است از برای تعزیه» به روشنی نشان می دهد که تکیه مزبور بنایی نسبتاً نو بوده و اندکی پیش از زمان نگارش این وقفنامه تأسیس شده است. این وقفنامه در سال ۱۲۸۸ قمری (معادل ۱۲۴۸ شمسی) مکتوب شده است. بنابراین، نخستین حسینیه روستای المشیر با عنوان «سرتکیه»، در حدود دهه ۱۲۴۰ شمسی در مجاورت بارگاه امامزاده قاسم بنا نهاده شد و در دهه ۱۲۸۰ شمسی نیز، در سمت راست و روبه روی این بارگاه، سقائفاری احداث گردید. احتمال قوی می رود که در بازسازی ها و توسعه حسینیه در اوایل سده چهاردهم، خود حسینیه به بارگاه امامزاده قاسم متصل شده باشد. این همجواری باعث شد که در نوسازی های بعدی حسینیه، بارگاه امامزاده نیز دستخوش تغییر یا حتی تخریب و بازسازی گردد. به همین دلیل، بنای کهن امامزاده

قاسم پس از تقریبی ۵۰۰ سال، در جریان بازسازی حسینیه روستای المشیر در دهه ۱۳۶۰ شمسی، به‌طور کامل ویران و بنایی دیگر جایگزین آن گردید. متعاقباً، این بنای جدید نیز در جریان نوسازی حسینیه در سال ۱۳۹۵، مجدداً تخریب شد.

در پی احداث حسینیه جدید، بقعه امامزاده قاسم مجدداً از بنای حسینیه کاملاً تفکیک گردید. حسینیه نوساز روستای المشیر در فاصله‌ای حدود ده متری در ضلع غربی امامزاده بنا شد. برای امامزاده نیز مقبره‌ای گنبدی شکل و باشکوه طراحی و احداث گردید. بنای فعلی امامزاده در مجاورت مقبره شهدای دفاع مقدس قرار دارد. نمای بیرونی مقبره با آجر و کاشی‌های مزین به آیات و ادعیه آراسته شده و فضای داخلی آن نیز به‌طور کامل شیشه‌کاری گردیده است.

یکی دیگر از شاخصه‌های مشارکت اجتماعی اهالی روستای المشیر در تداوم کارکردهای این مکان مقدس، حضور متولیان و خادمان بومی در فرآیند نگهداری و مدیریت آن است. با توجه به قدمت بنای امامزاده که حداقل به حدود ۵۵۰ سال پیش بازمی‌گردد، می‌توان استنباط کرد که در ادوار تاریخی مختلف، اشکالی از تولیت، کلیدداری و مراقبت از این بقعه وجود داشته است؛ هرچند در خصوص دوره‌های کهن‌تر، اطلاعات مستند و جزئی در دسترس نیست. بر اساس داده‌های موجود، در سده چهاردهم هجری شمسی، امر تولیت و کلیدداری آستان امامزاده قاسم به‌صورت موروثی در میان خاندان «ایزدی المشیری» استمرار داشته است و از دهه ۱۳۸۰ شمسی به بعد، مدیریت این بقعه در قالب ساختار هیأت امنایی سامان یافته است.

۲-۴. هویت بخشی اجتماعی

استقرار مزار منور امامزاده قاسم (ع) در مکان کنونی، به تدریج زمینه را برای شکل‌گیری قبرستان اصلی و رسمی روستای المشیر در اراضی پیرامون آن فراهم آورد و از دیرباز، دفن اموات اهالی در حریم این بقعه متبرکه انجام پذیرفته است. شواهد تاریخی موجود به وضوح نشان می‌دهند که قبرستان روستای المشیر از قدمتی دیرینه برخوردار است و امامزاده قاسم، به عنوان قدیمی‌ترین نشانه تاریخی ملموس و موجود در منطقه، مبنایی مستحکم برای تخمین قدمت تاریخی روستا و گورستان آن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، می‌توان تاریخ دقیق شکل‌گیری قبرستان روستای المشیر را تابعی از تاریخ استقرار این امامزاده شریف دانست. با عنایت به این نکته که زمان تقریبی

دفن امامزاده قاسم (ع) در این مکان به حدود سال ۳۰۰ هجری قمری بازمی گردد، قدمت قبرستان نیز حداقل به ۱۲۰۰ سال یا بیشتر قابل برآورد است.

یکی از برجسته ترین کارکردهای امامزاده قاسم (ع) در فرایند هویت بخشی اجتماعی و فرهنگی زیست بوم انسانی روستای المشیر، نقش بنیادین آن در شکل دهی به اجتماعات جمعی در مناسبت های گوناگون ملی و مذهبی است. برپایی این گردهمایی ها که ریشه در گذشته های دور دارد و عموماً در آستان امامزاده و فضای قبرستان صورت می پذیرد، به مرور تبدیل به یک سنت پایدار شده و این مکان را به کانون تجمع بومیان، به ویژه در ایام اعیاد و سوگواری ها، مبدل ساخته است.

در مناسبت هایی مانند عید فطر، ساکنان روستا با حضور در محوطه قبرستان و مجاورت مزار درگذشتگان خود، ضمن ادای احترام به رفتگان، فرصتی برای دیدار و پذیرایی از یکدیگر می یابند. این تجمعات به گونه ای در ساختار فرهنگی روستا نهادینه شده اند که حتی در مواقعی که امکان دیدوبازدید خانوادگی در ایام عید میسر نبوده، حضور در این مکان مقدس در غروب پنجشنبه ها یا ایام سوگواری و اعیاد، نقش جبرانی حیاتی برای حفظ و تقویت ارتباطات اجتماعی ایفا کرده است.

علاوه بر این، در ایام نوروز و سایر مناسبت های ملی و مذهبی، آستان امامزاده قاسم (ع) و فضای پیرامون آن، به عنوان محل تجمع گسترده خانوادگی برای ادای احترام به امامزاده، شهدای مدفون و تمامی درگذشتگان روستا عمل کرده است. فراتر از اجتماعات رسمی و آیینی، این مکان در گذشته و حال، همواره بستر شکل گیری تعاملات غیررسمی و دیدارهای روزمره ساکنان نیز بوده است. بر اساس روایات سالمندان روستا، از دهه های گذشته، افراد به طور معمول برای دیدار و تجدید ارتباطات اجتماعی در این فضای باز گرد هم می آمدند و این کارکرد اجتماعی تا به امروز، به خصوص در میان قشر بزرگسالان و کهنسالان، تداوم یافته است.

این فضای معنوی همچنین نقش مهمی در گذران اوقات فراغت نسل های جوان تر ایفا نموده است. انجام بازی های بومی و محلی نظیر «کمر بند بازی»، «آغوز بازی»، «هفت سنگ»، «چلکته بازی» (مشابه الک دولک) و همچنین فوتبال در محوطه قبرستان، بخشی از تجربه های مشترک فرهنگی نوجوانان و جوانان روستا را تشکیل داده است. بر اساس شواهد محلی، در نیمه سده چهاردهم هجری شمسی، بخشی از ضلع غربی قبرستان به طور مشخص به زمین فوتبال اختصاص یافته

بود و در برخی از اعیاد و مراسم‌ها، از جمله جشن‌های مرتبط با ازدواج جوانان روستا، این محوطه به عنوان محل برگزاری ورزش محلی «کشتی لوچو» نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۳-۴. هویت بخشی معماری و تاریخی

نقش امامزاده قاسم در هویت بخشی معماری و هنر منطقه، نقشی برجسته است. اگرچه با تخریب بنای تاریخی امامزاده، ابعاد معماری آن کمرنگ شده است، اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند که وجود این بقعه در روستای «المشیر»، هم به عنوان یک «موضوع تاریخی» قابل مطالعه است و هم به عنوان یک «منبع تاریخی»، امکان بازخوانی تاریخ روستای المشیر را از منظر آینده‌ی تاریخی این امامزاده فراهم می‌آورد.

امامزاده قاسم روستای المشیر دارای بقعه‌ای زیباست که بخش مهمی از هویت معماری روستا از آن وام گرفته شده است. سازه گلی اولیه، که رو به آستان قدس رضوی (ع) قرار داشت، اشتراک معماری مهمی میان خانه‌های قدیمی روستا و این بقعه مقدس محسوب می‌شد.

درباره زمان ساخت اولین بقعه و بارگاه امامزاده قاسم اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ با این حال، قدیمی‌ترین بارگاهی که ساخت آن با قطعیت بیشتری تأیید می‌شود، بنایی خشتی است که در حدود سده نهم هجری قمری بر روی مرقد امامزاده قاسم احداث شده بود. پس از ساخت بقعه، یک درب چوبی نفیس و پُرکار بر آن نصب شد (تصویر پیوست شماره ۴). بر روی این درب، تاریخ شوال سال ۸۹۱ هجری قمری (برابر با مهرماه ۸۶۵ شمسی) حک شده بود (ستوده، ۱۳۶۶، ۴/۳۶۱). بر این اساس، می‌توان قدمت بنا را از زمان ساخت تا به امروز تقریباً ۵۵۰ سال تخمین زد.

آخرین بقعه قدیمی که تا پیش از دهه ۱۳۷۰ شمسی پابرجا بود، سازه‌ای از گل و چوب بود. با توجه به مشخصات معماری آن، احتمال تعلق به دوره قاجاریه وجود دارد؛ زیرا بناهای دوره صفویه معمولاً با خشت یا گل پخته ساخته می‌شدند و سقف‌های آن‌ها به صورت گنبدی یا برجی شکل بود. در حالی که بنای مذکور که در اواخر دهه ۱۳۶۰ تخریب شد، سازه‌ای گلی با سقفی مسطح از چوب و الوار برای محافظت در برابر باران داشت. سقف دوم آن نیز به شکل مثلی و پوشیده از سفال بود.

ابعاد تقریبی این بقعه چهار متر در چهار متر مربع بود که در مرکز آن، ضریح چوبی با ابعاد تقریبی یک متر و نیم عرض، دو متر طول و یک متر و نیم ارتفاع قرار داشت. این ضریح از چهار طرف و نیز از سقف با تخته محصور شده بود و در چهار ضلع آن، ستون‌های چوبی به ارتفاع یک متر و هشتاد سانتی‌متر تعبیه شده بود که بالای این ستون‌ها به شکل دسته‌منبر طراحی شده بود. ارتفاع مقبره از کف تا سقف اول حدود سه متر بود و این بارگاه، همراه با درب ورودی‌اش، رو به شرق (به سمت حرم حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام) قرار داشت. در دیوار جنوبی آن نیز، پنجره‌ای چوبی به ابعاد یک در یک متر تعبیه شده بود. سازه اصلی بنا از گل بود و برای درب، پنجره‌ها و سقف از چوب و الوار استفاده شده بود. برای حفاظت از سازه در برابر باران، بر روی سقف اول، سازه‌ای از الوار بنا شده و روی آن را با سقف سفالی مثلثی پوشانده بودند، به گونه‌ای که نمای سقف امامزاده از هر طرف به شکل هشت دیده می‌شد.

بازخوانی ویژگی‌های درب امامزاده قاسم، یادآور همان درب چوبی نفیسی است که در اوایل دهه ۱۳۷۰ به سرقت رفت و اکنون در یکی از موزه‌های اروپایی نگهداری می‌شود (تصویر پیوست شماره ۴). این درب، بخش مهمی از هویت مردم روستای المشیر را با خود حمل می‌کند. منوچهر ستوده (۱۲۹۲-۱۳۹۵ش)، ایران‌شناس و جغرافیدان معاصر، در اثر خود «از آستارا تا استارباد»، گزارشی جامع از این درب ارائه می‌دهد (این گزارش پیش از انقلاب تهیه و چند سال پس از آن منتشر شد): «در این دهکده تکیه‌ای است که یک‌سوم غربی بنا، مرقد امامزاده است. در ورودی مزار، بسیار ظریف و پُرکار و خوش‌نقش و خوش‌خط است. پهنای دو لنگه آن از چهارچوب تا چهارچوب، ۱۲۰ و بلندی آن ۱۹۲ سانتی‌متر است. عبارات زیر بر آن حک شده است: بر پاسار بالای لنگه سمت راست: قربان مشهد مقدس و مرقد اقدس نورالله تعالی؛ بر پاسار بالای لنگه سمت چپ: عمل شمس‌الدین بن استاد احمد نجار بلده ساری؛ بر پاسار پایین لنگه سمت راست: صاحب‌الخیرات درویش محمد ابن کیا فلنجه؛ بر پاسار پایین لنگه سمت چپ: به تاریخ شهر شوال سنه احد و تسعین و ثمانمائه. سقافاری نسبتاً پُرکار و خوش‌رنگ در جلوی تکیه است که تاریخی بر آن دیده نشد. در تکیه نیز آثار تاریخی موجود نیست. شمال تکیه و مرقد، فضایی باز است که گورستان قدیمی بوده و چهار اصله درخت آزاد قدیمی دارد که در حال خشک شدن هستند» (ستوده، ۱۳۶۶، ۴/۳۶۲).

تاریخ حک‌شده بر روی «پاسار تخته چوب‌های قطور» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۳۵۵) تاریخ ساخت درب به دست هنرمند ایرانی، شوال سال ۸۹۱ هجری (مهرماه ۸۶۵ شمسی)، را نشان می‌دهد که قدمت آن را به حدود شش قرن پیش می‌رساند. نکته قابل تأمل این است که از چهار اصله درخت آزاد ذکر شده در کتاب ستوده، هم‌اکنون تنها یک اصله در سمت شرقی قبرستان امامزاده قاسم باقی مانده است.

امامزاده قاسم بی‌شک به عنوان عنصری اساسی در هویت تاریخی مردم روستای المشیر عمل می‌کند؛ بازیابی و بازخوانی تاریخ این روستا به شدت با سرگذشت این امامزاده گره خورده است. بخشی از این هویت تاریخی، با تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به درب امامزاده به دست می‌آید. ساخت چنین درب نفیسی، نیازمند بانی پرهزینه‌ای بوده و مشارکت مردم روستا در تهیه و ساخت آن، روحیه سخاوت و بخشنندگی اهالی المشیر را در سیر تاریخ این امامزاده به نمایش می‌گذارد. علاوه بر این، گزارش ستوده حکایت از وجود یک اثر هنری بدیع در صنعت نجاری و هنر خطاطی دارد. با بازخوانی این اثر هنری مرتبط با بقعه، می‌توان به ابعاد فرهنگی و هنری غنی مردم روستا پی برد. شیعه بودن مردم در زمان ساخت درب و همچنین وجود افراد باسواد در روستای المشیر، از دیگر نتایجی است که از این بررسی حاصل می‌شود. بدین ترتیب، تاریخ امامزاده قاسم و بقعه آن، پنجره‌ای است به سوی بازیابی هویت ملی و تاریخی روستای المشیر و مردم آن، که از طریق آن می‌توان به عمق فرهنگ و تاریخ این منطقه دست یافت.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، نقش محوری امامزاده قاسم در شکل‌دهی و تقویت هویت جمعی و زیست‌بوم انسانی روستای المشیر مورد بررسی قرار گرفت. دفن امامزاده قاسم در این مکان، بانی شکل‌گیری قبرستان عمومی در اراضی مجاور شد. علاوه بر آن، تأسیس حسینیه، احداث سقائفار، برپایی بازارهای مقطعی و برگزاری اجتماعات گوناگون در پیرامون آستان، به وضوح نشان می‌دهد که این مکان در سازمان‌دهی مناسبات اجتماعی، مذهبی و فرهنگی روستا تأثیرات هویتی عمیقی بر جای نهاده است. یافته‌ها حاکی از آن است که این مکان مذهبی، با فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای برگزاری مناسک دینی و فرهنگی، به تولید مجدد و استمرار باورها و ارزش‌های دینی ساکنان کمک شایانی کرده است. آیین‌های مذهبی، مراسم عزاداری و گردهمایی‌های فرهنگی موجب

شده‌اند تا هویت فرهنگی-دینی مردم روستا در چارچوب مناسبات جمعی تثبیت گردد و سنت‌های مذهبی و فرهنگی محلی استمرار یابد. از سوی دیگر، آستان امامزاده در تقویت همبستگی‌های اجتماعی نقشی محوری ایفا می‌کند. برپایی اجتماعات ملی و مذهبی، دیدارهای خانوادگی و دوستانه، و شکل‌گیری گروه‌های محلی در اطراف آستان، شبکه‌های پیوند اجتماعی را مستحکم‌تر کرده و مشارکت میان نسل‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی را تسهیل نموده‌اند. این فعالیت‌ها، فراتر از ابعاد دینی و فرهنگی، به انسجام اجتماعی و تقویت حس تعلق و همکاری میان ساکنان منجر شده‌اند. افزون بر این، جنبه‌های معماری و تاریخی بقعه، از جمله قدمت بنا و عناصر هنری آن، سهم مهمی در تثبیت هویت تاریخی و فرهنگی روستا داشته‌اند. استقرار امامزاده قاسم و طراحی معماری و تزئینات تاریخی‌اش، نه تنها ارزش‌های هنری و تاریخی را منتقل می‌کند، بلکه به مثابه یک شاخص تاریخی برای تخمین قدمت قبرستان و سوابق استقرار جوامع محلی عمل کرده و حس پیوستگی تاریخی میان نسل‌ها را تقویت می‌نماید.

بر این اساس، نتیجه‌گیری می‌شود که امامزاده قاسم چیزی فراتر از یک مکان صرفاً زیارتی است؛ این مکان با ایفای نقش در سه حوزه بنیادین فرهنگی-دینی، اجتماعی، و معماری-تاریخی، ساختار هویتی و زیست‌بومی روستای المشیر را شکل داده و آن را استمرار بخشیده است. این مطالعه تأکید می‌کند که بقاع متبرکه در جوامع روستایی ایران، علاوه بر کارکردهای عبادی اصلی، به مثابه مراکز هویت‌بخش اجتماعی، فرهنگی و تاریخی عمل می‌کنند و در تقویت احساس تعلق، انسجام جمعی، و هویت تاریخی-فرهنگی مردم نقشی مؤثر دارند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

کتاب‌ها

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۹۶)، *تاریخ طبرستان*، تهران: اساطیر.
- پیرنیا، حسن (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران باستان*، تهران: نگاه.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۷)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: نشر علم.

- حسنی تفرشی، مهدی بن مصطفی (۱۳۱۹)، *بدائع الانساب فی مدفن الاطیاب*، تهران: کتابخانه عالی.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۶۸)، *علویان طبرستان*، تهران: الهام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶)، *از آستارا تا استارباد آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی (جلد چهارم)*، محقق: مسیح ذبیحی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۴۰۰)، *مشاهد العلویین فی تتمه مقاتل الطالبیین*، تهران: سازمان اوقاف.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۴۰۲)، *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*، قم: وثوق.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی؛ اسلامی، حسین (۱۳۸۴)، *بارگاه آزادگله شرح حال و زندگانی امامزاده عباس ساری*، قم: وثوق.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۴۰۳)، *شجره نامه امامزاده قاسم مدفون در روستای المشیر شهرستان قائمشهر*، قم: مؤسسه دائرة المعارف بقاع متبرکه.
- کمونه حسینی، سید عبدالرزاق (۱۳۸۹)، *آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین*، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- گیلانی، شیخعلی (۱۳۵۲)، *تاریخ مازندران*، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه: مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- مرعشی، ظهیر الدین بن نصیرالدین (۱۳۶۱)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- یزدان پناه لموکی، طیار (۱۴۰۲)، *تاریخ اجتماعی معاصر مازندران*، تهران: پژوهاک فرزاد.

- ایمانی، علی اکبر (۱۳۹۴)، «نقش فرهنگی بقاع متبرکه در جامعه»، مجموعه مقالات برگزیده کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی علیه السلام، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، <https://civilica.com/doc/966607>.
- محمودی، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی کارکردهای اجتماعی اماکن مذهبی شیعه استان لرستان (پایان نامه کارشناسی ارشد)»، استاد راهنما: محمود تقی‌زاده داوری، قم: دانشگاه قم.پ
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۹)، «بررسی نقش و کارکرد امامزاده ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تاکید بر امامزاده های شیراز و یزد»، پژوهش های علوم تاریخی، (۱۲)، ۴، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- مولایی، اصغر (۱۳۸۹)، «بازشناسی جایگاه حرم امامزادگان در هویت شهری با تأکید بر سبک زندگی ایرانی -اسلامی»، پژوهشنامه سبک زندگی، دوره ۵ (۸)، ص ۲۷-۵۰.
- نوری، مصطفی (۱۳۸۹)، «نخستین سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران»، پیام بهارستان، (۲)، ۷، ص ۱۳۸-۱۹۸.

مصاحبه‌ها و گزارش‌ها

- الیزاده، معصومه، (۱۳۹۵)، «تأملی به آیین محرم در روستای المشیر قائمشهر»، خبرگزاری شبستان، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵، <https://shabestan.news/x6WsB>.
- وزارت راه و شهرسازی، (۱۳۸۱)، «دانشنامه‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران (مدخل تپه دینه کش)»، شماره ثبت: ۷۸۴۸.
- ایکن، (۱۴۰۲)، «بیست و چهارمین یادواره شهدا روستای المشیر برگزار می‌شود»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵، <https://iqna.ir/00HOSW>.

منابع عربی

کتاب‌ها

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰ق)، طبقات اعلام الشيعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن عنبه، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، قم: انصاریان.

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۷۷)، *مقاتل الطالبیین*، محقق: احمد صقر، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- اعرجی، جعفر بن محمد (۱۳۷۷)، *مناهل الضرب فی أنساب العرب*، محقق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۸۵)، *لباب الأنساب والألقاب والأعقاب*، محقق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عبیدلی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الأنساب ونهایه الأعقاب*، محقق: محمد کاظم محمودی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عمری علوی، علی بن محمد (۱۳۸۰)، *المجدی فی أنساب الطالبیین*، محقق: احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۴۴۵ق)، *الدره الذهبیه فی إكمال منتقلة الطالبیه*، کربلاء: مکتبه ابن فهد الحلی للطباعة والنشر.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷م)، *انخبار الأئمة الزیدیه فی طبرستان ودیلمان وجیلان*، بیروت: دار النشر فرانز شتاینر.

پیوست‌ها

تصویر شماره ۱: قدیمی ترین سند مکتوب حاوی نام «المشیر»، وقف نامه ای از سال ۱۲۴۹ شمسی به متولی آخوند ملاعلی المشیری



تصویر شماره ۲: موقعیت جغرافیایی روستای «المشیر»



تصویر شماره ۳: قطعه سنگ قبر کشف شده در حفاری‌های قبرستان روستای المشیر در سال ۱۴۰۱، که به سال ۱۰۲۵ هجری قمری (دوره صفویان) تعلق دارد.



تصویر شماره ۴: در ورودی بقعه امامزاده قاسم در دهکده المشیر نوکنده کای شاهی قائم شهر (منبع: ستوده، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۰۵۶)



تصویر شماره ۵: بنای فعلی امامزاده قاسم - روستای آلمشیر، دی ماه ۱۴۰۴

